

## تمثیلات درباره امام زمان علیه السلام

پنجشنبه، ۲ بهمن ۱۳۹۳

بسم الله الرحمن الرحيم

«الهی انطقنی بالهدی و الهمنی التقوی»

به مناسبت ماه ربیع الاول که ماه آغاز امامت امام دوازدهم هست من لابلای حرف‌هایم مثل‌هایی راجع به امام زمان زدم. چون از الطافی که خدا به من کرده این است که قدرت تمثیل بالاست و خیلی از چیزهای مشکل را بایک مثل حل می‌کنم. خود خدا هم در قرآن زیاد مثل زده است.

مثل‌هایی که راجع به امام زمان زدم را از نوشته‌های ما از کامپیوتر درآوردند و به من دادند و گفتند: شما این مثل‌ها را زدی. این مثل‌ها را هر کدام در جایی به وقتی زدم. اما این مثل‌ها را درآوردند و جزوه کردند و من گفتم این چیز خوبی است برای مردم بگویم.

### ۱ - جایگاه تمثیل در قرآن و روایات:

در قرآن حدود چهل بار کلمه مثل به کار رفته شده است. در هر چیزی مثل، معقول را ملموس می‌کند. دور را نزدیک می‌کند. پیچیده را باز می‌کند. مثلاً اگر بگویی: دانشمند بی‌عمل مثل الاغی است که بارش کتاب باشد. همه می‌فهمند! چیزی نیست که پیچیده باشد. الاغ در همه دنیا هست. کتاب در همه دنیا هست. الاغی که کتاب بارش باشد مثل با سواد است که به علمش عمل نکند.

معیارها هم همینطور است. مثلاً می‌گوید: آب کر چند و جب! هرکسی وجبش باشد، نمی‌گوید: چند سانتی‌متر که حالا بگویی: متر از کجا بیاورم. نماز صبح هنگام طلوع، غروب خورشید، چقدر صورتم را بشویم. نمی‌گوید: چند سانت در چند سانت! می‌گوید: از اینجا که مو روییده، هرکسی می‌داند کجاست. عرضش چقدر است؟ بین شصت و انگشت وسط! چه وقت روزه بگیریم؟ ماه را دیدی، فردا عید است. روزه نگیر، ماه را دیدی ماه رمضان است. «صم للرؤیه و افطر للرؤیه» یعنی ملاک‌های اسلام عموماً طبیعی است.

چقدر راه برویم اگر آب نبود حق تیمم داریم؟ می‌گوید: به اندازه پرتاب دو سنگ، دو سنگ را که پرتاب می‌کنی، از چهار طرف دو پرتاب، به اندازه دو پرتاب اگر رفتی آب نبود، حق داری تیمم کنی. خیلی مثل‌های ملموس... گاهی وقت‌ها آدم یک مثل می‌زند که اگر فیزیک دان نباشد، نمی‌فهمد. بعضی مثل‌ها اگر آخوند نباشد نمی‌فهمد. فقط در دنیای آخوندهاست. بعضی مثل‌ها در دانشگاه مثل است. غیر دانشجو نمی‌فهمد. مثل‌های قرآن طبیعی و فطری است و تاریخ مصرف هم ندارد. می‌گویند: ما سی سال گناه کردیم چرا قرآن

می‌گوید: «خَالِدِينَ فِيهَا» (نساء/ ۵۷) تا ابد بسوزید. ما سی سال گناه کردیم، ۵۰ سال گناه کردیم، چرا می‌گوید: «خَالِدِينَ فِيهَا»؟ یک مثل مشکل را حل می‌کند. شما یک لحظه با چاقو در چشمت بزن تا ابد کور هستی. گناه شما یک ثانیه است. چاقو می‌زنی، کوری تا آخر عمر است. یعنی می‌شود انسان با یک لحظه خلاف تا ابد پاک‌گیر شود.

مثلاً حق و باطل را مثل می‌زند به آب و کف آب. کف بالانشین است ولی از بین می‌رود. باطل مثل کف است، حق مثل آب است. از کف چیزی تولید نمی‌شود. از آب همه چیز تولید می‌شود. باطل موجی است و جلوه دارد. حق و باطل مثل کف است. کجای دنیا است که کف نیست و آب هم نیست؟ از بچه سه ساله تا پروفیسور دانشگاه و آیت الله العظمی هم می‌فهمد. غیبت مثل خوردن گوشت مرده است.

پریشب یک پروفیسوری، استاد تمام بود مه‌مان ما بود. یک حرف‌هایی می‌زد گفتم: والله من این حرف‌ها را بلد نیستم ولی جای آن نفی هم نمی‌شود کرد. بوعلی سینا می‌گوید: اگر یک چیزی را نفی هم کردی، بگو: من نمی‌فهمم. نگو نیست. خیلی از چیزها را نمی‌فهمیم. مثلاً می‌گوید: آب سه و جب و نیم، طول سه و جب و نیم، عرض سه و جب و نیم... طول و عرض و عمق سه و جب و نیم بود، کر است. کر که شد دستت را بگیری پاک می‌شود. اما اگر کرد نبود دستت را بزنی، پاک هم نمی‌شود و آب هم نجس می‌شود. خوب این یک بحث علمی در دنیای پزشکی است. آب چرا به این مقدار که رسید بیمه می‌شود؟ یعنی این وزن و حجم آب چطور است که به اینجا که رسید بیمه می‌شود. یک خرده کم شود دیگر آسیب پذیر است. این مقدار را دیگر مصونیت پیدا می‌کنند. نجس نمی‌شود! این یک چیزی در رساله‌ها هست ولی برای ما هنوز ثابت نشده است. هیچکس بلد نیست.

الآن یک محقق ژاپنی می‌گوید: وقتی به آب حرف حق می‌زنی مولکول‌های آب طور دیگر می‌شود. در خود ایران خانمی بود که پدرش هم چند سالی وزیر بود. این خانم تحقیق کرده که اگر حتی روی فولاد حرف حق و باطل بزنی بر فولاد اثر دارد.

## ۲ - لزوم دقت عمیق در آیات قرآنی:

قرآن می‌گوید: کل هستی تسبیح می‌گویند. «سَبِّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ» (حشر/ ۱) «وَمَا فِي الْأَرْضِ» نمی‌فهمم چیست. اسم یازده درخت در قرآن برده شده است. این یازده میوه امتیازش بر باقی میوه‌ها چیست؟ نمی‌دانم... چرا سفارش کردند رنگ روشن بپوشید؟ «لَوْنُهَا تَسْرُّ النَّاطِرِينَ» (بقره/ ۶۹) رنگ تار نپوشید. چادر سیاه برای خیابان خوب است. در خانه، سر کلاس، رنگ روشن باشد. رنگ تحریک کننده نباشد. این مهم

است. چند هزار... مثلاً چرا اسم انجیر یکبار در قرآن آمده است؟ اسم زیتون شش بار، البته خارجی‌ها یک تحقیقی کردند که خوردن یک زیتون با خوردن یک انجیر و شش زیتون و برکاتی دارد که با چهار تا هشت تا ندارد. ما چیزی بلد نیستیم. قرآن می‌گوید: همه با سوادها یک ذره با سواد هستید. تمام باسوادهای کره زمین یک ذره سواد دارند. آیه‌اش این است. فکر می‌کنم حفظ باشید. من کلمه آخرش را نمی‌گویم. اگر شما بگویید معلوم می‌شود حفظ هستید. «وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا» (اسراء/ ۸۵) ترجمه‌اش این است: همه دانشمندان کره زمین یک ذره سواد بیشتر ندارند. ما فارغ‌التحصیل نداریم. زن حامله فارغ می‌شود. خدا در قرآن می‌گوید: پیغمبر تو هم فارغ‌التحصیل نیستی. «وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا» (کهف/ ۶۵) یعنی علم تو بند به علم خداست، اما باز هم فارغ‌التحصیل نیستی. «وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا» (طه/ ۱۱۴) یعنی یا رسول الله تو هم فارغ‌التحصیل نیستی. حالا چطور شد ما اسم خودمان را فارغ‌التحصیل می‌گذاریم؟

موسی پیغمبر اولوالعزمی بود. خدا به او گفت: برو آن عبد صالح را در بیابان‌ها پیدا کن و شاگردی کن. رفت و راه را هم گم کرد و پیاده روی کرد و بعد معلوم شد اشتباه رفته است. «لَقَدْ لَقِينَا مِنْ سَفَرِنَا هَذَا نَصَبًا» (کهف/ ۶۲) پیر ما از این بیابان گردی درآمد. اما در عین حال خضر را پیدا کرد و گفت: «هَلْ أَتَبِعُكَ» (کهف/ ۶۶) اجازه می‌دهی من دنبال تو راه بیافتم. «عَلَىٰ أَنْ تُعَلِّمَنِي مِمَّا عَلَّمْتَ رُشْدًا» اجازه می‌دهی عقب تو راه بیافتم یک چیزی یاد من بدهی؟ گوشه‌ای از چیزهایی که بلد هستی به من یاد بده. مثل ساده‌ترین، فطری‌ترین، عمومی‌ترین، ارزان‌ترین، سابقه‌دارترین روش فهاندن برای استاد و شاگرد است. یک صلواتی بفرستید. (صلوات حضار)

یکبار یک کسی نزد من آمد گفت: چرا ادرار نجس و عرق پاک است. با اینکه هردو ساخت کلیه است؟ گفتم: من ساخت کلیه است را نمی‌دانم. این را دنیای پزشکی بدهید. حالا بر فرض هردو ساخت کلیه باشد. می‌شود در یک لیوان آب و یک لیوان شراب باشد. اینکه هردو در یک لیوان است که دلیل نمی‌شود. هردو ساخت کلیه باشد. مگر دروغ و دعا هردو ساخت زبان است ولی یکی بد و یکی خوب است. بروید آزمایشگاه و بینید موادی که در ادرار و عرق است، حالا فرض کنید هردو ساخت کلیه است. فرض کنید همه مواد و ترکیباتش هم یکسان است. باز هم اشکالی ندارد که یک چیزی حلال باشد و یک چیزی حرام. من یکوقتی مثل زدم و گفتم: یک خال اگر روی دماغ عروس باشد، عروس زشت می‌شود. همین خال اگر از کنار لب عروس بیرون بیاید، عروس زیبا می‌شود. ترکیبات شیمیایی خال هم یکسان است. تا بینیم از کجا بیرون آمده است. از روی دماغش بیرون آمد یا از کنار لبش. مشکلی هم نیست. الان اگر شما صلوات بفرستید، حرام

است چرا. برای اینکه من سخنرانی می‌کنم شما می‌گویید: اللهم صل علی محمد و آل محمد. بسم الله الرحمن الرحيم، بحث امروز... شما می‌گویید: اللهم صل... اگر یک عده در جلسه بیایند اینطور صلوات بفرستند این صلواتشان حرام است. چون این صلوات نیست می‌خواهند جلسه مرا به هم بزنند. ممکن است یک چیزی هم که مستحب است در یک مکان حرام باشد.

### ۳ - نقش امامان در تأمین نیازهای اجتماعی:

یکبار حضرت امیر به اسب‌ها زکات بست. اسب‌دارها راهپیمایی راه انداختند که آقا زکات برای شتر و گوسفند و گاو و طلا و نقره و کشمش و خرما است. اسب زکات ندارد. فرمود: مگر من رئیس حکومت اسلامی نیستم. امسال سهم امام و خمس و زکات برای فقرا کافی نیست. هرکس اسب دارد یک درهم بدهد. به اسب‌ها مالیات بست. چیزی هم که واجب نبود فرمود: واجب است. یکسال امام کاظم فرمود: امسال مردم خمس ندهند. چون امام کاظم زندان بود هرکس می‌رفت خمس به امام کاظم بدهد، گیر می‌کرد. حکومت بنی عباس می‌گفت: این پول آورده است. هرکس دور و اطراف حکومت امام بود می‌گرفتند. امام فرمود: خمس را بخشیدم. خیالتان راحت بخورید. امام کاظم که شهید شد، امام رضا امام شد. نامه نوشتند که پدر شما خمس را بخشید. ما خواهش می‌کنیم شما هم خمس را ببخشید. فرمود: مگر خمس بخشیدنی است؟ پدرم بخشید که گیر نکنید. در یک شرایط خاصی ما خمس را گفتیم. وگرنه خمس را نمی‌شود بخشید. حالا چند مورد از این مثل‌ها را بزنیم.

بسم الله الرحمن الرحيم، در اسکناس یک نخ است که آن نخ به اسکناس ارزش می‌دهد. در هستی هم یک نخ است که رابط بین خلق و خالق است. «این السبب المتصل بین الارض و السماء» در دعای ندبه می‌گوییم: مهدی جان! ای امام زمان تو رابط بین زمین و آسمان هستی. این نخ اگر باشد اسکناس ارزش دارد. کارها هم همینطور است. اگر نخ اخلاص در آن باشد. اگر برق باشد لامپ کوچک هم نور می‌دهد. یعنی اگر اخلاص باشد یک ریال هم به فقیر بدهی ارزش دارد. اما اگر اخلاص نباشد، لامپ بزرگ هم اگر وصل به برق نباشد، گاهی یک لامپ کوچک نور دارد که لامپ بزرگ ندارد. سه نان را اهل بیت دادند، یک سوره هل اتی آمد. چرا؟ برای اینکه این نان دادن یا اخلاص بود. شما چک می‌کشید یک کشتی برنج را وارد می‌کنی و همه را هم نذر می‌کنی. اما اخلاص بود یا می‌خواستی رأی بیاوری؟ می‌خواستی شورای شهر بشوی؟ وکیل و وزیر شوی. می‌خواستی هیأت تو شلوغ شود.

#### ۴ - امامان معصوم علیهم السلام ، واسطه فیض خداوند به مخلوقات:

مثال دوم: یک موتور برقی را وقتی می‌خواهند به یک لامپ کوچک وصل کنند این وسط یک رابط می‌خواهد. ترانس! من درست می‌گویم؟ گاهی در کلمات می‌مانم. یکبار زمان شاه پای تخته سیاه بودم، می‌خواستیم بنویسم باتون، شک کردم باتوم یا باتون! پرسیدم باتون یا باتوم؟ در عمرم سرکار با باتون نداشتم. یک نفر گفت: حاج آقا باید چند تا بخوری تا بفهمی. (خنده حضار) حالا من گاهی وقت‌ها کم می‌آورم. یک تشکیلات برق وقتی می‌خواست وصل به یک لامپ کوچک شود واسطه می‌خواهد. واسطه فیض هستند. حدیث امام را مثل زده به «الامام الوالد الشفیق» امام پدر مهربان است. در دعای ندبه داریم «انا و علی ابوا هذه الامة» من و علی پدر این امت هستیم. این خودش به آدم شخصیت می‌دهد. من بفهمم فرزند ابراهیم هستم. قرآن می‌گوید: قرائتی! تو گرچه پسر پدرت هستی ولی پسر ابراهیم هستی. «مِلَّةَ اَبِيكَم اِبْرَاهِيمَ» (حج/ ۷۸) آب به معنی پدر است. پدر تو ابراهیم است. دخترها اگر بدانند که مادرشان خدیجه است، زهرا است. این فرق می‌کند با اینکه بفهمند پدرش... بچه‌های ایران اگر بفهمند ما بوعلی سینا داشتیم. تمدن ایرانی سابقه‌اش چیست؟ اینقدر خودباخته نیستند که حالا هر عکسی را روی زیر پیراهنی بپوشد و در خیابان بیاید، فکر کند مثلاً روشن فکر شده است. که بود و چه شد؟

مرحوم مطهری کتابی دارد خدمات متقابل ایران و اسلام. هم اسلام خدمت به ایران کرد و هم ایرانی‌ها خدمت به اسلام کردند. حتی رهبران درجه یک سنی‌ها هم خیلی‌ها ایرانی بودند. سنی‌ها شش کتاب درجه یک دارند. ابن ماجه برای قزوین است. زیر گوش تهران! ما تمدن داشتیم، هویت داشتیم. سید مرتضی برای بالای هزار سال پیش است. هفتاد هزار جلد کتاب داشته است.

کلمه حمام در روایت هزار و چهارصد سال پیش می‌گوید: «اذا دخلت الحمام» داخل حمام شدی، «و اذا خرجت الحمام» در روایات ما برای هزار و چهارصد سال است. اروپا دویست سال است کلمه حمام پیدا شده است. یعنی قبل از دویست سال چیزی به نام حمام در اروپا نبود. دایره‌المعارف‌های غربی کلمه حمام درونش نیست. انسان بداند امام پدر ما است. فرزند اسلام هستیم. فرزند بوعلی سینا هستیم. همشهری چه کسی هستیم. این افتخار است. آرزو من این است که بچه دبیرستانی‌های هر منطقه‌ای شخصیت‌های آن منطقه را بشناسند. مثلاً بچه‌های کاشان می‌دانند فیض کاشانی کیست؟ فیض کاشانی کسی است که امام فرمود، من این را از استاد شنیدم. گفت: فیض کاشانی کسی است که به قدری کتاب علمی نوشته که ما از ورق زدن آن مچ

درد می‌گیریم. آنوقت بچه‌های کاشان نمی‌دانند فیض کاشانی چه کسی است. بچه‌های تبریز می‌دانند علامه امینی چه کسی است؟ هرکس باید لااقل مفاخر شهر و منطقه‌اش را بشناسد. امام به پدر تشبیه شده است. آینه هرچه بزرگتر باشد نور بیشتری منعکس می‌کند. امام منعکس کننده الطاف الهی است. مثل امام مثل آینه است. «ان الحسین مصباح الهدی و سفینه النجاة» تشبیه به کشتی نجات شده است. موضوع بحث این است. چه تعبیرات و تشبیهاتی راجع به امام زمان(ع) شده است. هرچه هوای بزرگتر باشد، باید باندش بزرگتر باشد. یعنی زمانی امام زمان ظهور می‌کند که استعداد عمومی وجود داشته باشد. با چهارتا آدم خوب نمی‌شود.

#### ۵ - نقش امام زمان علیه السلام در مبارزه با ظلم و اقامه عدل:

یک جمله‌ای است می‌توانید معنا کنید. می‌گویند: امام زمان وقتی می‌آید که دنیا پر از ظلم و ستم شود. خوب اگر اینطور است پس باید همه گناه کنیم. هرکسی یک گناه کند که دنیا پر از ظلم شود و آقا بیاید. حدیث نمی‌گوید وقتی امام زمان می‌آید، که دنیا پر از ظالم شود. پر از ظلم شود. بین ظلم و ظالم فرق است. یکوقت می‌گویند: در سالن را وقتی باز می‌کنیم که اینجا پر از دود شود. لازم نیست همه سیگاری شوند و دود بکشند. ممکن است یک نفر مثل صدام یک کنده درخت اینجا بیاورد، هم عراق را خراب کند، هم ایران و هم کویت را خراب کند. یعنی یک نفر یک کنده اینجا بگذارد؛ با همین یک کنده اینجا پر از دود می‌شود. نمی‌گوید: وقتی در را باز می‌کنیم که همه اهل دود شوند، می‌گوید: سالن پر از دود شود. نه اینهایی که در سالن هستند همه سیگاری شوند. «بعد ما ملئت ظلماً» نه «بعد ما ملئت ظالماً». این تعبیرها قشنگ است.

می‌گویند: چطور امام زمان حکومت تشکیل می‌دهد؟ می‌گوییم: همانطور که امام در جمهوری اسلامی حکومت تشکیل داد. آیا در جمهوری اسلامی امام حکومت تشکیل داد یا نه؟ طاغوتی‌ها فرار کردند یا نه؟ حزب اللهی‌ها روی کار آمدند یا نه؟ به همان دلیلی که آنجا شد؛ آنجا هم می‌شود. مثل خوبی است نظام ما هم می‌تواند. آقا در نظام ما هم که هنوز گناه است. رشوه و گناه بیداد می‌کند. کم فروشی، گرانی، این همه گناه هنوز هست. حکومت اسلامی به این معنا نیست که مردم عادل باشند. حکومت اسلامی نه همه مردم عادل هستند... وقتی می‌گویند: فلان پرواز شرکتش خوب است؛ فلان تعاونی ماشین‌هایش خوب است. معنایش این نیست که همه مسافرها خوب هستند، بلکه ماشین‌هایش سالم است. راننده‌هایش هم پایه یک هستند. اما معنایش این نیست که تمام مسافرها هم آدم حسابی هستند. شما یک ماشینی که می‌خواهی سوار شوی، چطور سوار می‌شوی؟ نگاه به قیافه ماشین می‌کنی که نو است یا قراضه. دوم هم اینکه راننده‌اش با نشاط است یا

خواب آلود است. اگر از تیپ راننده خوشتر آمد، راننده سر حال بود، ماشین هم نو بود سوار می شوی. بله ممکن است در ماشین یکی تخمه شکست، یکی پیاز خورده است. جلویی هم سیر خورده و دهانش بوی سیر می دهد. این هم که بچه اش ادرار کرد. او هم پوست پرتقال پرت کرد. بالاخره چه کنیم؟ از این ماشین پیاده شویم؟ ماشین های دیگر یا ماشینش گیر دارد یا راننده اش گیر دارد. جمهوری اسلامی ماشینش اسلام است و راننده اش امام است. حالا یکی رشوه گرفت، کدخدا بد شد. یک امام جمعه خراب شد، یک شهردار خراب شد، یک وزیر، یک سفیر، یک معلم، یک استاندار... بله! ممکن است در ماشین هر کدام از مسافرها یک دسته گلی آب بدهند. اما ماشین سالم است. راننده هم امام است. مقام معظم رهبری است. این مثل خوبی است.

## ۶ - حکومت امام زمان علیه السلام، همانند حکومت حضرت علی علیه السلام:

شما فکر می کنید زمان حضرت مهدی هر کس بخواهد غیبت کند لال می شود؟ نه! هر کس غیبت کند زبانش را می برند؟ نه. زمان امام زمان انسان ها عصبانی نمی شوند که فحش بدهند؟ چرا. غریزه انسان است. آدم ها آدم هستند. هم شهوت دارند و هم غریزه دارند. زمان خود پیغمبر هم پیغمبر سوار یک حیوانی شده بود، حیوان قوی بود. یک نفر هم پشت سر او نشسته بود. دو نفره سوار حیوان شده بودند. یک خانم آمد با پیغمبر صحبت کند، پیغمبر که می خواست جواب او را بدهد، کسی که پشت پیغمبر نشسته بود، به خانم خیره شد. پیغمبر یک چیزی دستش بود چنین کرد که نگاه نکند. مرد که پشت سرش بود چنین کرد. حضرت کاغذ را پایین آورد. بابا بدنش به بدن پیغمبر چسبیده گناه می کند.

یکوقت خدمت امام آمدند. گفتند: نماینده شما در حج ضعیف است. فرمود: چه کرده است؟ گفتند: در حج در یکی از کوچه های مکه یا مدینه خانم ایرانی با یک عربی می گفتند و می خندیدند. گفت: حالا اگر یک زن ایرانی با عربی گفت و خندید، نماینده من خراب می شود؟ گفت: اگر قوی باشد. گفت: بگذار برای ما بگویم. من قوی تر هستم یا نماینده ام؟ گفتند: شما امام هستی. گفت: پس من قوی تر هستم. گفت: مکه بزرگتر است یا حسینیه جماران؟ گفت: مکه شهر است، حسینیه جماران سالن است. گفت: من که امام هستم زورم بیشتر از نماینده ام است. حسینیه جماران هم کوچک است، وسط حرف من یک نفر می گوید: تکبیر! حال آنجا جای تکبیر نبود. الکی تکبیر می گوید. من نمی دانم با او چه کنم. در سرش بزدم. بگویم بیرونش کنید. خودم قهر کنم. بابا من در اداره ی حسینیه ی جماران یک نفر بیهوده می گوید من نمی دانم با او چه کنم. آنوقت شما توقع دارید نماینده من در همه کوچه های مکه دورین مخفی بگذارد؟ چه توقعی است که دارید؟ گاهی وقت ها توقع زیادی است. فکر می کنیم در حکومت امام زمان دیگر همه مردم غریزه غضبشان حذف می شود. یا

غضب دارند هرکس می رود فحش بدهد لال می شود. منتهی نیست. نظام را می گوئیم. مدرسه، مدرسه خوبی است. حالا ممکن است مدرسه ای هم که درس هایش خوب است خادمش سیگاری باشد. سرایدارش بد اخلاق باشد. آب و برقش مشکل داشته باشد. ولی استاد و کتابش خوب است. درس هایش خوب است. می گویند: امام زمان وقتی غایب است چطور نظام را اداره می کند؟ خود حدیث یک مثل زده است. گفته: مثل خورشید پشت ابر است. ولی هم نورش را می دهد، هم حرارتش را می دهد، هم آثارش را دارد. ولو خورشید را نبینند. مثل امام زمان به خورشید.

#### ۷ - انتظار طلوع خورشید در شب تاریک:

می گویند: ما منتظر امام زمان هستیم خودش می آید درست می کند. آقایانی که دیر تلویزیون را روشن کردند، من قبلاً می گفتم: کسانی که دیر پیچ تلویزیون را روشن کردند. یک نفر گفت: آقای قرائتی مگر تلویزیون شما پیچی است؟ بحث ما این است. ضرب المثل هایی... مثلاً می گوئیم: انتظار یعنی چه؟ این مثل هم از مرحوم راشد است که در رادیو صحبت می کرد. می گفت: معنای انتظار این نیست که کنار بنشینیم و خود آقا بیاید درست کند. آنوقت مثل قشنگی می زد. مرحوم مطهری هم در سفری خدمتش در ماشین نشسته بودیم. از این مثل خیلی تجلیل کرد و گفت: خیلی مثل قشنگی است. گفت: شب که می شود، شما منتظر خورشید هستی اما در تاریکی نمی نشینی. انتظار نور معنایش نشستن در تاریکی نیست. بلند شو چراغ را روشن کن. البته منتظر خورشید هم باش. حالا که شما این فتنه و فساد را دیدی بلند شو حل کن. منتظر باش امام زمان هم بیاید و درست کند. اما انتظار خورشید معنایش نشستن در تاریکی نیست. در زمستان منتظر گرما هستیم اما معنایش این نیست که بنشینیم و بلرزیم. هرکسی بخاری، چراغی، والر، گازی دارد. در زمستان تلاش می کنیم برای گرما. البته منتظر تابستان هم هستیم. در شب برای روشنایی تلاش می کنیم اما منتظر خورشید هم هستیم. معنای انتظار احتضار نیست. انتظار است. معنای انتظار بیکاری نیست. کسی که منتظر مهمان است، بلند می شود... الآن زن ها از شش ماه قبل سبزی شان را سرخ می کنند و در فریزر می گذارند. زمانی هم که فریزر نبود آن کسی که منتظر مهمان بود آماده باش می شد. الآن جامعه ما می تواند امام زمان را درک کند. اگر بیایند به من بگویند: آقای قرائتی شما تانزانیا برو. تانزانیا! در تلویزیون جایم خوب است. نه شما آفریقا برو! وقتی امام زمان ظهور می کند هرچه گفت گوش بدهند. ما اگر یک چیزی را دوست نداشته باشیم گوش نمی دهیم. می گوئیم: ما از این خوشمان نمی آید مگر قانون... خمس نمی دهیم، نماز هرچه بخواهی می خوانم. یکوقت پیاده تا کربلا می روید. اما سه سال است با مادرش قهر است. نرفته با خواهر و برادرش



صله رحم کند. بگو: آقا من خوشم آمد کربلا بروم. وگرنه اگر تو برای خدا هستی همان قدم‌هایی که برای زیارت کربلا اینقدر ثواب دارد، برای صله رحم هم ثواب دارد. چرا صله رحم نمی‌روی؟

سؤال: آیا عقل ما کافی نیست. من برای این هم مثال خوبی دارم. ترازو زرگرها ترازو است اما برای هندوانه کافی نیست. عقل ما کامل نیست. اگر کامل بود اینقدر پشیمان نمی‌شدیم. اینکه هرکسی صدها و هزارها بار پشیمان می‌شود یعنی عقلش نرسیده است. اگر عقل ما می‌رسید اینقدر پشیمان نمی‌شدیم. پشیمانی دلیل بر این است که عقل ما نمی‌رسد. عقل ما نمی‌رسد دلیل بر این است که نیاز به امام داریم.

می‌گویند: چرا امام زمان غایب است؟ اگر یازده چراغ را بچه‌ها یا مردم در خیابان شکستند، سازمان برق لامپ دوازدهم را می‌زند؟ علی بن ابیطالب را شکستند. امام حسن را شکستند. یازده امام معصوم را شکستند. لامپ دوازدهم را دیگر خدا وصل نمی‌کند. چطور امام زمان عمرش طولانی است؟ پیر نمی‌شود؟ نه! چطور؟ ابروی ما مو است. روی صورتان هم مو است. یک پوست و گوشت و یک نان و آب و یک کربن و اکسیژن است. خدا خواسته موی ابرو ثابت، موی مژه ثابت، موی سر و صورت متغیر باشد. ابرو و مژه ثابت و سر و صورت متغیر است. همان خدایی که می‌تواند در هر صورتی یک مو را ثابت نگه دارد، یک مو را متغیر، می‌تواند امام زمان را ثابت نگه دارد و باقی آدم‌ها را متغیر. همه بیاییم برویم و آقا باشد. اشکالی دارد؟

بعضی‌ها ایمان به امام زمان دارند و در عمل کوتاهی می‌کنند. عاشق امام حسین هستند، عاشق امام زمان هستند ولی نمازش کو؟ حجابش، خریدش، سیاستش، اخلاقش اسلامی نیست. بعضی‌ها هم عمل و ظاهرشان خوب است. از درون پخته نیستند. ما هم داغ می‌خواهیم و هم پخته می‌خواهیم. از بیرون داغ باشیم، حماسی. انقلابی، از درون هم معتقد باشیم. اگر داغ باشد و پخته نباشد خوردنی نیست. پخته هم باشد، سرد باشد باز خوردنی نیست. هم داغ و هم پخته، هر داغی سرد می‌شود ولی هر پخته‌ای خام نمی‌شود. شما اگر پوست تخمه را بکاری سبز نمی‌شود. مغز تخمه را بکاری سبز نمی‌شود. باید پوست و مغز با هم باشد.

بعضی می‌گویند: آقا من ریاکار نیستم. مسجد هم نمی‌روم، ریش هم نمی‌گذارم. چادر هم سیاه نیست. ولی باطن من از این خانم بهتر است. خانم ممکن است تو درست بگویی، ما نمی‌گوییم تو دروغ می‌گویی، ممکن است باطن تو بهتر باشد، تو که باطن خوب است، ظاهرت را هم خوب کن. چرا می‌گویی چون باطنم خوب است دیگر نیازی به ظاهر ندارم. تو که باطن خوب است، ظاهرت را هم خوب کن. عشق به اهل بیت دارد ولی اسم یک بچه‌اش را امام حسن و فاطمه زهرا نمی‌گذارد. ایمان که داری. در دلت اعتقاد به امیرالمؤمنین داری. اسم بچه‌هایت را علی بگذار. الآن وقتی به دایره‌المعارف رجوع می‌کنی، می‌بینیم سه هزار تا علی آباد در

ایران است، این نشان دهنده این است که ایران کشور شیعی است. سه هزار علی آباد در ایران است. این اسم‌ها اثر دارد. چند اسم فاطمه و چند اسم علی است. نگو: خواهرم فاطمه دارد. برادرم مهدی دارد. خوب خواهرت هم یخچال دارد. برادرت هم موبایل دارد. چرا آنجا نمی‌گویی: برادرم دارد من نمی‌خواهم. خدایا روز به روز بر عمق و معرفت و اخلاص و علم و عمل ما بیفزای. بالاترین درجه علم و عمل و تقوا و معرفت را به همه ما مرحمت بفرما.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته